



جانان گنچن بیر قوربان دیر ستارخان... صفحه ۳

لرزم آموزش به زبان مادری

۱- نگاهی گذرا به تاریخ

آذربایجان وبخصوص مرکز فرهنگی _ مدنی آن تبریز از دیرباز مهد دانش پژوهان و دانش جویان بوده است حدود ۷۰۰ سال پیش از این (شاید برای اولین بار در جهان) نخستین شهرک دانشگاهی بنام ربع رشیدی (رشیدیه) در جوار شهر تبریز ساخته شد. این شهرک به تأیید قازان خان پادشاه مدبر و علم پرور ایلخانی و به همت وزیر دانشمند وی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ساخته شد. وی دانشمندان و علمای زیادی را برای تدریس در این شهرک دانشگاهی دعوت نمود. رشیدالدین در نامه‌ای که به فرزندش خواجه سعدالدین نوشته اطلاعات و آمار دقیقی از شهرک رشیدیه ارائه می دهد: «... و شش هزار نفر طالب علم محل در محله‌ای که آن را محله طلبه خواندند نشانیدیم.. و شش هزار نفر طالب علم دیگر از ممالک اسلامی که به امید تربیت ما آمده بودند در دارالسلطنه تبریز ساکن گردانیدیم و پنجاه طبیب حاذق از اقصای بلاد هند و چین و مصر و شام و دیگر ولایات آمده بودند گفتیم هر روز در دارالشفای ما تردد نمایند و پیش هر طبیب ده کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا به این شغل شریف مشغول گردند...»

در این شهرک که به گفته رشیدالدین ۳۰۰۰۰ خانه مسکونی وجود داشت می توان حدس زد قریب ۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌است. اساتید علاوه بر حقوق و مستمری ثابت از مزایای غیر نقدی چون جامه سالیانه، صابون و... برخوردار بودند. طلاب علوم نیز همگی مستمری معینی دریافت می‌کردند. همزمان با آن دو دانشگاه دیگر یکی در سلطانیه زنجان، دیگری در شام قازان تبریز تأسیس شد. در دوره‌های بعد از ایلخانی نیز آذربایجان به لحاظ مرکزیت علمی موقعیت ممتازی در مشرق زمین داشت. گواه این مدعا، خیل بیشماری از علما، شعرا، نقاشان، خطاطان، فلاسفه، منجمان و مورخان است که در طول قرون گذشته از این شهر برخاسته‌اند و به جرأت می‌توان ادعا نمود که کمتر شهری در مشرق زمین از نظر اختراعات علمی به پای تبریز می رسد. تعداد این بزرگان به قدری فراوان است که حتی گورستانهای تبریز نیز جنبه تخصصی یافته بودند. از آن جمله‌اند مقبره‌اشعرا واقع در محله سرخاب، مقبره‌الاولیا در محله گجیل و مقبره‌المشایخ در پینه شلوار (یک فرسخی جنوب تبریز).

کتابهای "روضات الجنان و جنات الجنان" و "روضه اظهار" که در اوایل دوره صفوی نگاشته شده‌اند، طومار مفصلی از بزرگان علم و دین، خفته در تبریز را بدست می‌دهند. تنی چند از بزرگانی که از اقصا نقاط جهان شرق به تبریز آمده و در این شهر به تعلیم و تعلم و خلق آثار ادبی و علمی پرداخته‌اند نام می‌برند از آن جمله‌اند:

ظهیرالدین فارابی، اسدی طوسی، عزالدین محمد رومی (فرزند مولانا)، شیخ نظام الدین هروی و... اینان همگی در خاک تبریز آرمیده‌اند و موقعیت آرامگاهشان در کتب فوق‌الذکر به دقت مشخص شده‌است.

در دوره ناصری دو دارالفنون در ایران تأسیس می شود، یکی دارالفنون تهران (بسال ۱۲۳۱ شمسی ۱۸۵۲ م) و سپس دارالفنون تبریز مشهور به مدرسه دولتی مظفری (بسال ۱۲۵۵ شمسی ۱۸۷۶ م). اما تحصیل در این مدارس مخصوص شاهزادگان و اعیان بود...



سر مقاله

در طول تاریخ ترکان ایرانی بدنه اصلی نخبگان مملکتی و اشرافیت حکومتی را تشکیل می‌دادند آذربایجان به تنهایی از بقیه ایران ثروتمندتر بود به گونه‌ای که ۷۰ درصد درآمد کشور در دوران قبل از رضاخان به آن تعلق داشت. از لحاظ ژئوپولیتیکی انحصار راه‌های ارتباطی ایران با روسیه، ترکیه و اروپا را در اختیار خود داشت. همچنین بنا به نوشته ریچارد کانم در سال ۱۳۰۴ در حدود نیمی از شهرهای بالای ۱۰۰۰۰ نفر در آذربایجان بود. بنابراین جمعیت شهرنشین و متوسط آن نیز به مراتب بالاتر از بقیه نقاط ایران بود. این طبقه گسترده متوسط و معترض مهمترین نقش را در تحولات سیاسی ایران ایفا کرده است.

تفکرات مدرنیته عمدتاً حاصل روشنفکری آذربایجانی‌هایی مانند مستشارالدوله، میرزا جلیل، آخونداف، زردابی و... می باشد. اینان برای سرنگونی حکومت مستبد شاهنشاهی و ایجاد دموکراسی و مشروطیت فداکاری‌ها و جان‌بازی‌ها کرده‌اند. در دوران مشروطه پیشگامی آذربایجان بر هیچ‌کس پوشیده نیست. محمدامین رسولزاده، حیدر خان عموغلی، ستارخان، باقرخان و... مدافعان آزادی و آزادگی و نمایندگان رشید آذربایجان در تاریخ بودند.

به خاطر همین حضور گسترده آذربایجان در جریان‌های فکری و امور حکومتی بود که پروژه نابودی فرهنگ آذربایجان اکثریت کار خود را به ناچار از آذربایجانی‌هایی همانند احمد کسروی، ارنانی، ایرانشهر و تقی زاده، افشار و... انتخاب کرد پان فارسیستها حضور این افراد را دلیلی بر ضد آذربایجانی نبودن پروژه‌های خود معرفی می‌کنند، در حالی که واقعیت این است که بنا به دلایل تاریخی آذربایجانی‌ها در همه تحولات فکری ایران نقش بزرگتر از نسبت عددی خود داشته‌اند و باز به علت بالا بودن میزان تحصیلکردگان آذربایجانی طبیعی بود که استعمارگران و صاحبان مال و دستگاه‌های پر روق برای جذب نیرو به سراغ این خبرگان بیایند. حضور این افراد به استعمار کمک می‌کرد که نامرئی بماند و عمری طولانی از تک‌تک مهره‌ها و حتی رژیم دست‌سازش داشته‌باشد. حضور آذربایجانیان در جنبش‌های مخالف رژیم شاه نیز بسیار گسترده بود که بیژن جزنی عنوان می‌کند: زبان رسمی زندان‌های سیاسی ایران ترکی است.

مدیر مسئول

E-mail: saber_abdi921@yahoo.com

یا علی جانیم سنه اولسون فدا

قل کفی دیرشانینه حقدن ندا

بو خطائی کؤنلونه قیلدین نزول

مرحبا ای شاه عالم مرحبا

شاه اسماعیل صفوی



خبرلر

سه نفر از اعضای گروهک تروریستی حزب کارگران کردستان ترکیه در درگیری با مامورین نیروی انتظامی کشته شدند .

رییس مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی آذر بایجان غربی گفت: هویت سه نفر از اشرار مسلح غیر قانونی که چندی پیش در شهرستان سلماس توسط مامورین نیروی انتظامی کشته شدند ، متعلق به گروهک تروریستی حزب کارگران کردستان ترکیه است. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران ، سروان شهنام رضایی در نشست هفتگی خود با خبرنگاران رسانه های گروهی افزود: مطمئناً از این پس ماموران نیروی انتظامی با هر گونه تردد عوامل بیگانه و اشرار مسلح غیر قانونی بر خورد شدیدی خواهند کرد. وی سپس به درگیری اخیر در سردشت اشاره کرد و گفت : طی این درگیری ۱۴ نفر که باعث بروز اغتشاش در شهر شده بودند ، دستگیر و با قرار صادره از سوی دادگاه روانه زندان شدند. وی شمار کشتگان این درگیری را ۳ نفر اعلام و اضافه کرد: در این زمینه یک نفر نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به شهادت رسید. رییس مرکز اطلاع رسانی فرماندهی آذر بایجان غربی در پایان از دستگیری ۱۸ نفر از اتباع پاکستانی در منطقه چالدران خبر داد و افزود : ۴۳ نفر از متجاوزین مرزی که اکثراً از اتباع پاکستانی بودند توسط مامورین هنگ مرزی ماکو دستگیر و تحویل مقامات قضایی شدند.

www.navidazerbaijan.com

مراسم اولین سالگرد وفات صفرخان قهرمانیان برگزار شد.

مراسم بزرگداشت اولین سالگرد قهرمان ملی آذربایجان، باسابقه ترین زندانی سیاسی دنیا، صفرخان قهرمانیان در تاریخ ۸۲/۰۸/۱۶ بر سر مزار وی در امامزاده طاهر کرج برگزار گردید. این مراسم که به همت تشکلهای و گروههای مختلف دانشجویی، دانشگاهی و ... در قالب کمیته برگزاری مراسم اولین سالگرد درگذشت صفرخان تدارک دیده شده بود، با حضور صدها تن از اقشار مختلف مردم، دانشجویان و دانشگاهیان دانشگاههای تهران و کرج از ساعت ۱۴ شروع شد و با برنامه های متنوع همچون ارائه مقاله، سخنرانی و قرائت شعر ادامه پیدا کرد.

این مراسم فاتحه خوانی بر روح مبارز نستوه آذربایجان، اسوه مقاومت و پایداری، صفرخان قهرمانیان آغاز شده و اکبر آزاد از فعالین مدنی آذربایجان با اشاره به اهداف فرقه دمکرات آذربایجان در راه اندازی دموکراسی در کشور، صفرخان را یک فدایی و سرباز متعهد پیشه وری معرفی کرده و از وی به عنوان زنده نگهدارنده تفکر و اندیشه فرقه دموکرات آذربایجان نام برد. سپس استاد بهزاد بهزادی با ارائه سخنرانی آتشین در خصوص شخصیت والای صفرخان وی را یک فدایی راه آزادی معرفی نمود. استاد سخنانشان را با جمله "یاشاسین آذربایجان"، "یاشاسین آذربایجانین ایگید ارلری" شروع کردند. ایشان در ادامه در مورد خصوصیات منحصر به فرد صفرخان از جمله مقاومت، جوانمردی و ... سخنانی ایراد نمودند.

در ادامه برنامه داماد صفرخان با تشکر از کمیته برگزاری و دیگر شرکت کنندگان از مراسم، تقاضا نمود تا وقت خود را در اختیار فریبرز رئیس دانا قرار دهد. کمیته برگزاری مراسم با اعتقاد به پلورالیسم اندیشه تریبون را در اختیار ایشان قرار داد. رئیس دانا با قرار گرفتن در پشت تریبون به مصادره صفرخان به نفع جریان فکری خاصی که خود متعلق به آن می باشد، نمود که این ترور فرهنگی ایشان به شدت مورد مخالفت شرکت کنندگان قرار گرفت و ایشان در جواب واکنش شرکت کنندگان با لحن بسیار تند ملت آذربایجان و صفرخان را مورد تهمت قرار داد.

همچنین در ادامه برنامه شاعران سعید موغانلی، آتیلا کیشی زاده، اولمز، بی اوغلو، کهریز میران شعرهایشان را در تکریم مبارزات صفرخان و حرکت ملی آذربایجان قرائت کردند. در پایان این مراسم قطعنامه ای از طرف کمیته برگزاری مراسم قرائت گردید

www.azbiltop.com

در مراسم بزرگداشت مولانا در تهران بر لزوم ایجاد آرامگاه شمس تبریزی تأکید شد.

سرویس خبر- در این مراسم دکتر توفیق سبحانی، پژوهشگر مثنوی و مصحح مجالس سبعة مولانا درباره آثار پدید آمده درباره مولانا در ترکیه سخن گفت و از شروح مختلفی که به زبان ترکی درباره شرح مثنوی نوشته شده سخن به میان آورد. اما مجلس زمانی گرم شد که دکتر محمد علی موحد از سفر هفته گذشته اش به آذربایجان و دیدارش از مزار شمس تبریز در خوی گفت که به قول او به زواله دانی تبدیل شده است.

او گفت: هفته گذشته که در مسافرت آذربایجان بودم رفتم خوی زیارت مزار شمس. وضع فوق العاده فحیعی در آنجا دیدم که به وصف در نمی آید. فکر می کنم ما اهل قلم در وضعیت غم انگیزی که دامنگیر این مزار شریف شده است، تقصیر کرده ایم.

در قونیه یک آرامگاه توریستی بنا کرده اند و همه آن را به عنوان مزار شمس می شناسند ولی مزار اصلی شمس در اینجا و در خوی از چشمها افتاده است. من فکر می کنم اهل قلم ما دینی دارد و باید کاری بکند که این مزار شریف از این وضع بیرون بیاید. در اینجا دکتر توفیق سبحانی خبر داد که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی زمین های اطراف مزار شمس را خریده و قصد دارد طرح بنا و محوطه سازی آن را اجرا کند. اما دکتر موحد گفت که تاکنون اقدامی نشده است.

نصرت کسمنلی نین یاس تۆرنی تبریزده قاباغی آیلندی

آذربایجانین میلی و ادبی چالیشقانلاری گؤزکملی، بؤیوک و اینجه دوینغولو شاعیریمیز « نصرت یوسف اوغلو کسمنلی نین » آچی و کدرلی اؤلومو موناسیبتی ایله بیر یاس تۆره نینین قورماغینا جان آندیلار. بو تۆره نین جومما گونو (۱۳۸۲/۸/۲) تبریز شهرینین «شهیدی مسجد» پنده کتچیریلمه سینه موجویز آیلنمیشدی، آنجاق پلیس و امنیتی مأمورلارین تاپشیریغی اساسیندا قاباغی آیلنیب، مسجیدین قاپیسی باغلانندی.

www.azbiltop.com

آنا وطن آذربایجان

دوغمایوردوم آناوطن (۲)

قهرمانلار مسکنی سن

تاریخ بویی دویوشوسن

ای قهرمان آذربایجان(۲)

ناغارات:

سن بؤیوتدون ستارخانلار (۲)

بابک کیمی قهرمانلار

باغبان کیمی قوچ اصلانلار

سنه قوربان اولاجانلار

آذربایجان-آذربایجان(۲)

داغلاریندا اصلان گزه(۲)

چوللرینده جبران سوزهر

یامان گونه ایل لردوزه

خوش گون لره چاتار انسان(۲)

ناغارات

ساوالانین دایاغی سان (۲)

ایگیت لرین اویاغی سان

مرد انسانلار تورپراقی سان

ای وقارلی آذربایجان(۲)

ناغارات

میرزه حسین سه گاهی

موسقی : استاد علی سلیمی

شعر: فرهاد

آنا کلمه سی ایله معنا دولار

آنا وطنیمیزی ، آنا دیلیمیزی

دوغروسو آنا سیزی یا شاماق

اولار؟

باشاماق چتین دیر دیل سیز

وطن سیز

آل قاییت

فرهادین تیشه سسیندن منه میراث قالاندیر

سنودا

دار ودونیا نی ساتوب ، دردی آلاندیر

سنودا

گوزلرین هر باخیشیندا منه مین سوز

ونردی

انشید ای ساده خیالیم ، کی یالاندیر

سنودا

(عادل علیپور)

شهادت مولای متقیان حضرت علی (ع) را به دانشجویان گرامی تسلیت می گویم



جاندان گئچن بیر قوربان دیرستارخان

روزی یکی از مجاهدان را که از ناحیهٔ ران بشدت زخمی شده بود، به پشت جبهه منتقل می‌کنند. پرستاران می‌خواهند لباس از تنش درآورند و زخم‌اش را مداوا و پانسمان کنند. مجروح تقاضا می‌کند دست به لباس او نزنند. پرستار می‌گوید تا لباس از تن تو بیرون نیاید معالجه و مداوا امکان ندارد. مجاهد زخمی به هیچ‌وجه قبول نمی‌کند. هر چه اصرار می‌کنند، فایده‌ای نمی‌بخشد. خون از جای زخم پیوسته بیرون می‌زند. خطر مرگ لحظه به لحظه بیشتر می‌شود. سرانجام ماجرا را به گوش گردآزادی - ستارخان - می‌رسانند. ستار از سنگر خود را ببالین زخمی می‌رساند. زبان به نصیحت مجاهد می‌گشاید: پسر من تو نباید بمیری. ما به نیروی تو، به ارادهٔ آهنین تو نیاز داریم. چرا راضی نمی‌شوی زخم‌ت را مداوا کنند؟ مجاهد به ستار اشاره می‌کند که گوشش را نزدیک دهان او ببرد. ستار خشم می‌شود. مجاهد در گوش او نجوا می‌کند: سردار من دخترم، نگذارید لباس از تنم درآورند و رازم بر ملا شود! اجازه بدهید با خیال راحت بمیرم! چشم ستار به اشک می‌نشیند و پدران می‌گوید: «قیزیم من دیری اولا اول سن نیه دعوايه گئتدون = دخترم من که هنوز زنده‌ام، تو چرا به جبهه رفتی!» نام این دختر را عده‌ای زری و تعداد دیگری از پیرمردها و پیرزنان تفللی گفته‌اند. این موضوع را سهراب طاهر چنین به نظم کشیده است:



قیز گئچینیر گؤزلرین ده ایکی گیله میرواری یاش

سولور اوزو یاواش، یاواش.

آچیق قالمیش گؤزلرین ده بیر یاریم چیق یول حسرتی.
ایکی گیله یاش ایچین ده غرق اولموشدور، اونون دنیا محبتی.
ستار:

قربان گؤزون قاراسینا قیز کؤکسونون یاراسینا
کیپرک لرین آراسینا آغ اولدوزلار دولار قیزیم
گؤزلرینده گؤزوم آغلار، اوره یمیمی یاران داغلار
آنان گلر ماتم ساخلار، ساچلارینی یولار قیزیم
آغلامارام گؤزوم دولسا، یئر اوزونو اولوم آلسا
ستار اگر ستار اولسا قصاصینی آلا قیزیم.

گلدیم اولوم خبرینه حیران اولدوم سؤزلرینه
یوم گؤزونو، گؤزلرینه توپ توستوسو دولار قیزیم

قوی وار اولسون اعتقادین، قیز قارداش سان، کیشی قادین
سن اولسن ده اولمز آدین بو دنیا دا قالار قیزیم.

ائل قهرمان قیز یتتیردی داغیم اوستدن داغ گتیردی
سنی هانسی خلق یتتیردی، او خلق ظفر چالار قیزیم

غروب دوشور قیزیل شفق سپه‌لنیر هر بیر یانا
مجاهدلر باش ایبرلر گؤزو یاشلی ستارخانا

سردار یومور اللریله قیزین یاشلی گؤزلرینی
اوره‌گین ده او سؤیله بیر قیزین اؤرک سؤزلرینی:

«ؤلسم، اوزوم بئله دونده...

سخن آخر این که زنان و دختران شهری و روستائی آذربایجان در مبارزه علیه حکومت ستم پیشهٔ قاجاری به جای آنکه اشک بریزند، اسلحه به دست گرفتند و در ارتش مقاومت تبریز قهرمانانه مبارزه کردند

گونش چیخیر، قیزیل شفق سپه‌لنیر هر بیر یانا

بیر مجاهد گؤز یاشی ایله تعظیم ائدیر ستارخانا:

سردار! بوردا بیر مجاهد یارالی دیر، سایقلا بیر.

بوتون گنجه قان ایتیریب، چوپه دؤنوب، آریقلا بیر

بیر اوغلان دیر، تانیمایمیر بو یئرلرده هیچ کس اونی.

او گیزله دیر هامی میزدان یاراسینین اوووغونو.

یومروغونو باسیب اوغلان یاراسینا

او دوشموشدور ایکی سنگر آراسینا

سردار آچیب اول اونون دؤشونده کی بوش قاتاری

پئنجه قانلی، پنجهک آلتدا زربافتالی قیز پالتاری

یا باغی نین آلتین دا وار هوروکلری

آغ آلتیندا مونجوق لاتیپ اولوم تری.

- قیزیم! کیم سن، کیم لرده سن؟ بونه حال دیر؟ بونه قرار؟

- مجاهدم، بویوک سردار، من بیر قیزام آدیم زری

نه نشانلیم، نه ده اریم،

من هامییاچوخدان بری قیز آدیمی بالان دئدیم.

گنج عؤمرومون باهارین دا، بو مجاهد پالتارین دا

سنگر لرین مزارین دا، من اؤزومو اوغلان دئدیم.

باتدیم آرزو دنیزین ده، تفنگ گوردوم جهیزیم ده

گول له اولدوم گیلیزیم ده، اؤز جانیمی قوربان دئدیم.

باجیم قالدی «مارالان» دا یارالاندی «خیوان» دا

دئدی: ووروش قیز اولساندا، ووروشارام هر آن دئدیم.

قربان گئتدی سون قارداشیم، قان آغلادی داغیم، داشیم.

قورومادی گؤزوم یاشی، بو دنیا یا عصبان دئدیم.

نه مجنونام، نه لیلی یم، اؤز بختیم دن گیلی لی یم.

گلدیم عشقه مثیل ائیله یم، ناکام عشقیم تالان اولدو.

ال اوزاتدی او سردارا،

یومروغوندا چنگه لشمیش اوره ک یارا

اوره گین ده ناکام قالمیش ایستک یارا.

سنگر لرین بلگین ده، عینالی نین اتگین ده

سن اؤز بویوک اوره گین ده باسدیرار سان منی سردارا

اولسم اوزوم بئله دؤنور

شکست اولسام کنده گؤنور

کچ باخماسین منه گئندن

بیر نامجرم، دنی، سردار.

ناکام قیزام توتما یاسیم، بلکه منی قارا باسیر

جان گؤزومدن پرده آسیب، قوو گؤزومدن جانی سردارا!

آذربایجان آدین سالدی دیل لره

آزادلیغین پایین ویردی ائل لره

جان دئییب جان بوراخدی سئل لره

آی گؤزه لیم گورنه خان دیرستارخان

کور اوغلودور، خان چوبان دیر، ستار خان

گول چیچکلی آذربایجان باغینین

قوزو اوینار، جیران سؤزر داغینین

شانلی یوردون ایستکلی تورپاقینین

داماریندا ایستی قان دیرستار خان

ادامه از صفحه اول

۲- ایجاد مدارس جدید یا رنسانس فرهنگی

اولین مدرسه به سبک جدید در ایران توسط میرزا حسن رشیدی (به سال ۱۲۶۷ شمسی ۱۸۸۸ م) در تبریز بنیان گذاری شد. رشیده با سبک نوینی شروع به سواد آموزی کودکان کرد. به جای تعلیم گلستان و جامع عباسی و... آموزش را از مراحل ساده تر شروع کرد و به کودکان نخست خطوط افقی و عمودی را یاد می داد. به جای حساب سیاق آموزش اعداد را شروع کرد. وی همچنین دو کتاب به نامهای "انادیلی" و "وطن دیلی" برای کلاسهای اول و دوم دبستان تالیف نمود. مدارس جدید که قبل از اعطای فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه در تبریز گشایش یافته بود ۱۹ عدد بوده است.

پس از تبریز دومین شهری که تعداد مدارس در آن چشمگیر بود شهر تهران بود، در آن زمان قریب به ۱۴ مدرسه در تهران موجود بود که ۴ تای آن دولتی، ۴ تای آن نیمه دولتی و بقیه خصوصی بودند. (حال آنکه کلیه ۱۹ مدرسه تبریز خصوصی (ملی) بود) نکته مهم اینکه در تاسیس نخستین مدارس تهران نیز باز آذربایجانی ها پیش قدم بودند، از آن جمله نخستین مدرسه تهران به نام رشیدی که توسط میرزا حسن رشیدی تاسیس گردید، همچنین دبستان دانش که توسط میرزا رضا تبریزی معروف به "پرنس ارفع" تاسیس شد و مدرسه لقمانیه که مدیر آن لقمان الممالک تبریزی بود...

قابل ذکر است که در آستانه انقلاب مشروطیت در اصفهان هر چند ۲ مدرسه باز شده بود، اما به علت مخالفت عده ای روحانی نما بلافاصله تعطیل شده بود و این شهر فاقد هر گونه مدرسه به سبک جدید بود. و این در حالی است که در شهرهای آذربایجان چون ارومیه و خوی و برخی از قسبات مانند شبستر و خامنه وضعیت معارف جدید پیشرفته تر از شهرهای بزرگی چون اصفهان، مشهد، شیراز و کرمان بود.

آذربایجانها پس از طی دوران پر تلاطم هجده ساله (۱۳۰۴-۱۲۸۶) می توانستند وارد مرحله جدیدی از اصلاحات در امر آموزش شوند که همانا ورود به کتابت ترکی است. لکن سیر حوادث تاریخی وضعیت دشواری را به مردم این دیار تحمیل کرد. با تثبیت پایه های امپریالیسم انگلیس در ایران، و روی کار آمدن رضا خان و تمرکز امور در تهران، سیاست ضد فرهنگی جدیدی علیه آذربایجان در دستور کار دولت قرار گرفت که نخستین نتیجه منفی شدن هرگونه اصلاح روش آموزشی با اتکا به زبان مادری در آذربایجان بود.

۳- اعمال سیاست ضد فرهنگی و افت تحصیلی

از سال ۱۳۰۴ که رضاخان رسماً پادشاه ایران شد و موقعیت خود را در عرصه سیاست داخلی ایران به نحو بلا معارضی تثبیت نمود، دولت مرکزی فعالانه شروع به اجرای سیاست های تخریبی بر علیه فرهنگ آذربایجان نمود. در سال ۱۳۰۵ دکتر محسنی به ریاست کل فرهنگ آذربایجان منصوب می شود، که تا سال ۱۳۱۲ در این سمت باقی ماند. وی اولین کسی است که ترکی حرف زدن را در سر کلاسهای درس ممنوع اعلام کرد و گفته بود "هر کس من بعد در سر کلاس ترکی حرف بزند دستور می دهم افسار الاغ به او ببندند و در طولیله بیاندازند". ذوقی رئیس فرهنگ آذربایجان در سالهای ۲۹-۱۳۱۶ طرح نصب صندوق جرمه را در کلاسها را اجرا می کند تا هر دانش آموزی که جرات کند به زبان مادری خود سوالی از معلم خود بنماید، مجبور به پرداخت جرمه نقدی به نفع توسعه زبان فارسی بشود...

در شماره بعدی نتایج این سیاست به طور مبسوط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ستارخان سردار ملی

ستارخان سردار ملی درخشان ترین ستاره انقلاب مشروطیت و بزرگترین قهرمان ملی ایران درمهرماه ۱۲۴۵ شمسی در سرزمین سرسبز قره داغ دیده به جهان گشود. پس از کوچ خانواده ستارخان به تبریز، وی در جوانی بانشان دادن دلآوری ها از خود در مبارزه باستم و خودکامگی نامش بر سر زبان ها افتاد. با شروع نهضت مشروطه، در رأس مجاهدان آذربایجان قرار گرفت و چنان درایت و نبوغ از خود نشان داد که به یک چهره جهانی تبدیل شد و از سوی مردم آذربایجان به سردار ملی ملقب گردید. ستارخان، سردار ملی، در پیکارهای رهایی بخش مردم آذربایجان، خدمت گراندگری به انقلاب و آزادی کرد، ولی سزنگون کردن پرچم های سفید در تبریز که به علامت تسلیم در برابر استبداد برافراشته بودند، از شاهکارهای تاریخی اوست. درباره شخصیت والا و ویژگیهای برجسته آن مرد پاکباز، می توان گفت که آن سردار میهن، شجاعت رابافروتنی، رزمندگی را با جوانمردی، سپاهگیری را با درایت سیاسی، آزادخواهی را با عدالت طلبی و صداقت رابامرمدگرایی و معارف پروری توأم داشت. مرحوم محمدقزوینی که در آن هنگام ساکن اروپا بوده و اخبار جنگهای تبریز را از طریق مطبوعات دنبال می کرد، درباره آوازه دلآوری های سردار ملی می نویسد: تدریجاً شهرت او در داخل و خارج ایران سرایت خواهد کرد و شجاعت و مردانگی او، اسم ستارخان را در صفحه اول روزنامه ها با تفضیل جنگهای او و مقاومت های سخت او در مقابل قشون دولتی چاپ می شود و خوانندگان آن جرید را قرین اعجاب می نمود... باری این اعمال حیرت آور ستارخان روی ایران را در اوایل قرن چهاردهم در تمام خارجه سفید گردانید و فی الحقیقت می توان او را بطل الابطال ایران و مبارز و مبارزترین نمونه شجاعت و دلآوری و مردانگی و وطن پرستی ایرانیان محسوب نمود. فی الواقع مقاومت این شخص که از طبقه سوم مردم بیرون آمده بود در مدت یازده ماه تمام در مقابل ۴۰۰۰ نفر قشون بی رحم و خونخوار دولتی، تولید یک حس احترام و اعجاب و تحسین برای او و برای عموم ایرانیان در تمام دنیا نموده نظیرش را در تاریخ ایران در دوسه قرن اخیر من سراغ ندارم.

بر اثر این جانبازی ها استبداد صغیر سقوط می کند و فاتحین تهران دست به تشکیل دولت می زنند، ولی چون اغلب آنها سردار آخر بیگانگان داشتند با احضار سردار و سالار به تهران سر نوشت غم انگیزی را برای آنها رقم زدند. در روز ۸ ربیع الاول ۱۳۲۸ ستارخان و باقر خان تحت فشار روس ها تبریز را ترک کردند و به تهران رفتند و در ۳۰ رجب، همان سال در پارک اتابک که منزلگاه آنان و مجاهدان ایشان بود جنگ سختی میان قشون دولتی (که می خواستند مجاهدان را خلع سلاح کنند) و مجاهدان (که این تقاضا را نمی پذیرفتند) روی داد و عاقبت قشون دولتی غالب آمده، ۳۰ تن را کشته و ۳۰ تن را اسیر کردند و ستارخان مجروح و باقرخان اسیر گردید. بعد از ماجرا آنقدر مداوا و درمان جراحت ستارخان را به تعویق انداختند که دست آخر بر اثر همین زخم ستارخان به شهادت رسید، وفات ایشان در سال ۱۳۴۲ هجری قمری مطابق با ۱۲۹۲ هجری شمسی روی داد.

استاندار آذربایجان شرقی و هیئت همراه از ارمنستان دیدار کردند

سرویس خبر: کشور ارمنستان که همسایه ایران محسوب می شود در واقع مرزچندانی با ایران ندارد (حدود ۳۰ کیلومتر) و کشوری ارمنی (مسیحی ارتدکس) است که فاقد وجه مشترک فرهنگی با ایران است. حال بدانید که استاندار آذربایجان شرقی آقای سبحان الهی و هیئت همراه در سفر به ارمنستان با رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزیران امور خارجه، کشاورزی، حمل و نقل، بهداشت و انرژی این کشور دیدار و گفتگو کردند. استاندار آذربایجان شرقی دستاورد های سفر را سودمند توصیف کرد و گفت ما در تمام دیدار های خود با مقامات ارمنستان اراده خاصی را برای توسعه مناسبات با ایران و استان آذربایجان شرقی دیدیم. طرف های ارمنی همچنین خواستار استفاده از تجربیات کشاورزی ایران و آذربایجان شرقی شدند. البته باید بدانید که ارمنستان هیچ راه ارتباطی با جهان خارج ندارد بجز آذربایجان شرقی و باید دست دکتر سبحان الهی را با ولع تمام ببوسد. جمهوری اسلامی ایران جزء نخستین کشورهایی بود که استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت و سپس به برقراری مناسبات سیاسی و توسعه همکاریهای اقتصادی و انرژی همت گمارد. حجم مبادلات دو کشور سالانه ۱۶۰ میلیون دلار است که ۱۲۰ میلیون دلار آن از استان آذربایجان شرقی می باشد. جالب است که صادق نجفی رئیس سازمان بازرگانی آذربایجان شرقی ارمنستان را به عنوان بکرترین کشور برای گسترش مناسبات دو کشور یاد کرد.

سوزلوک

آراشد، یرماقی	جروسی کردن
آپاریچی	مجری
آلتون (قیزیل)	طلا
یانسا	قانون
آنا یانسا	قانون اساسی
امکدانش	همکار
اتلچی	سفیر
اتلخان	بزرگ ایل
اوپچوروم	پرتگاه
اورمان	چنگل
اویون	پند و اندرز
اور پک	روپند
اویونتمک	اقتحار کردن

گوز آغلا ماقدان ایسلانلیب

سوزوم دیلیمده پاسلانلیب

اورکده یالوا ریر سنه

اتک لریندن آسلانلیب

یولوندا چوخ دایاندی گوز

یالان بیر آندا یاندی گوز

دئدیم گلینجه گوزلرم

دئدین دوز اوندا یاندی گوز

یاغیش نفسلرینده گل

سحر چاغی سرنینده گل

دعائند نده لریریم

ملک لرین پرینده گل

دکتر حسین شیر

یا غیش یاغیر، یاغیش یاغیر

نفس لریم آغیر آغیر

هارابلا بیر کؤنول سنی

کی سنده گل منی چاغیر

دوشوبسن آی تکین سویا

سولار دوشوبدوهای هویا

سو پارلانیر، ایشیق لا نیر

سن اوز گوزون یویا یویا

یانیرمنیم ایچیم یانیر!

یاغیش ده یینده اودلانیر

بو سئوگی نی بو اولداری

یاریم، کول اولماسام دانیر

هفته نامه ادبی اجتماعی فرهنگی و تاریخی دانشگاه

تبریز

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: صابر عبیدی

هیئت تحریریه: محمود ابراهیمی، علی حاجی زاده،

حبیب عابدی، احسان نجفی، محمد فتحعلیلو، حمید

زارعان، ناصر الدین علیزاده، علی حسن زاده

امور تایپ و کامپیوتر: جابر پولادی، حامد توفیق، مجید

گنجعلی، جمال عزیز پور.

همکاران این شماره: رسول روحی، پریسا احمدزاده،

افسون کریمی، الناز جانعلی پور، رحمان چوپانی، کمال

نرایی، اصغر عباسی، علی رواقی، سعید عیسی پور

آدرس (برادران): خوابگاه ولیعصر (پهشتی) اتاق: ۲۲۴

آدرس (خواهران): خوابگاه شماره یک شهدا اتاق: ۲۵۱

E-mail: az_gunashi@yahoo.com